

# عناصر مساعد و نامساعد توسعه اقتصادی

از دیدگاه امام خمینی (ره)

(۲)

سید محمد میرسندهی

چکیده

در قسمت اول این تحقیق، که در شماره گذشته از نظراتان گذشت، به اهمیت موضوع، تعریف و مفهوم توسعه اقتصادی در نظریات امام خمینی (ره) عناصر مساعد یا نامساعد توسعه از نظر صاحب نظران توسعه اقتصادی و نهایتاً تعیین این عناصر در مجموعه آثار امام توجه کردیم. در این بخش و در ادامه بحث به توضیح بیشتر این عناصر با استفاده از بیانات امام می پردازیم و در نهایت در مورد این مطالعه، نتیجه گیری خود را ارائه می کنیم.

## ۴- عناصر مساعد یا نامساعد توسعه اقتصادی در بیانات امام خمینی (ره)

### ۴-۱- عناصر مساعد توسعه اقتصادی

۴-۱-۱- اتکا به خود یا اعتماد به نفس (۱-۱) همانطور که قبلاً بیان شد، این عنصر دارای خصیصه روانی است و از ویژگیهای آن، ایجاد روحیه و انگیزه است. امام (ره) در این مورد می‌فرماید:

عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می‌توانیم، وقتی این باور آمد اراده می‌کنیم، وقتی این اراده در یک ملتی پیدا شد، همه به کار و می‌ایستند، دنبال کار می‌روند، یک ملت وقتی یک چیزی را بخواهد خواهد شد. آن ممالکی که توانستند مثل ژاپن، ژاپن اول چیزی نبود کوشش کردند، تا اینکه حالا با امریکا مقابله می‌کنند یا هندوستان که الآن پیش رفته است، برای این است که این فکر را در خودش پیش آورده است که ما نباید وابسته باشیم.<sup>۱</sup>

در این قسمت، امام تأثیر روحی خوداتکایی را مقدم دانسته تا اینکه باعث عمل واقعی گردد. در جایی دیگر ایشان در ترغیب نسل جوان برای اینکه روی پای خود بایستند و اعتماد به نفس به خویش داشته باشند، می‌فرماید:

شما خودتان جوانهایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام دهید. مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند، مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند به شرط آنکه اعتماد به نفس به خودشان داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه "می‌توانیم".<sup>۲</sup>

در بیان اینکه چگونه می‌توانیم به "صنعت غیر وابسته" دست پیدا کنیم و برای تهیه وسایل زندگی‌مان و ملزوماتی که در زندگی امروزه بدان نیازمندیم، به دیگران وابسته نباشیم، در جایی دیگر با توجه به خودباوری و اعتماد به تواناییهای وجودی خود می‌فرماید:

ما تا بیدار نشویم از این خواب و تا توجه به این نکنیم که ما هم انسان هستیم، ما هم شخصیت داریم، ما هم ملتهای بزرگ هستیم... تا این معنا را باورمان نیامد، نمی‌رویم دنبال کار... اگر این معنا را توجه به آن بکنیم و بیدار شویم، دنبال بیداری، اراده پیش می‌آید که ما بخواهیم که خودمان وسایل زندگی اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان باید کارهای خودمان را انجام بدهیم، مدتی می‌گذرد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد.<sup>۳</sup>

ذکر این نکته ضروری است که منظور امام از "خود" این نیست که هیچ به تجربه دیگران توجه نداشته باشیم.

همانطور که در سطور پیشین دیدیم، امام به تجربه دیگران توجه داشته و اهمیت می‌دهند و در مثال خود در مورد خویشن‌یابی از تجربه کشورهای مثل ژاپن و هندوستان و دیگر کشورها شاهد می‌آورند. در توضیح این مطلب ایشان می‌فرمایند:

ما باید از آنها اگر چنانچه چیز خوبی دارند بگیریم. مخالف نیستیم با این لکن به فکر این باشیم که خودمان درست بکنیم، به فکر این باشیم که خودمان داشته باشیم. خوب بعضی ممالک بودند که اینها هم از غیر می‌گرفتند. لکن بعد از آن کم‌کم خودشان بهتر از دیگران شدند. ژاپن اینطور بود، خوب ما هم باید درست کنیم و آن قدم این است که ما بفهمیم که خودمان هم می‌توانیم.<sup>۴</sup>

در این بیانات این مطلب قابل توجه است که امام (ره) سعی در برانگیختن روحیه نیروهای انسانی و افراد جامعه و باوراندن خود باوری و اتکا به خود در آنها دارند. فراوانی سخن در این باره<sup>۵</sup> حاکی از این ادعاست که امام (ره) بر این عنصر - اتکا به خود - تأکید فراوان داشته و به بیان ما، آن را یکی از زمینه‌های دستیابی به استقلال اقتصادی و نهایتاً توسعه اقتصادی به شمار می‌آورند.

۱-۲-۴- تحمل مشقات (۱-۲) در راستای این مطلب که "ما باید کارهای خودمان را انجام دهیم و روی پای خود بایستیم" که از آن تحت عنوان "اتکا به خود و اعتماد به نفس" یاد شد، این موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد که تصمیم به اجرای چنین طرز تفکری همراه با تحمل سختی‌ها و قبول مشقاتی است. سختی‌ها در ابعاد مختلف از جمله ساعات کار بیشتر، کمتر مصرف کردن، زندگی ساده‌تر، محاصره اقتصادی، جنگ و... قابل طرح است. امام در بیان این سخن می‌فرمایند:

ما تا بنای بر این نگذاریم که خودمان هم آدمی هستیم برای خودمان و می‌توانیم کار کنیم، ما به آن نان جوی که خودمان درست می‌کنیم تا بنای بر این نگذاریم که همان نان جو را می‌خوریم و از خارج نمی‌خواهیم، نمی‌توانیم درست کنیم کار راه، ما بنای بر این نگذاریم که همان منسوجاتی که خودمان درست می‌کنیم کافی مان هست منسوجات ما ترقی نمی‌کند و ما باز تابع غیر باید بشویم و دستمان پیش غیر دراز بشود. تا این ملت بنای بر این نگذارد که کشاورزی را تقویت کند و بسازد به آنکه خودش

به دست می‌آورد، ما نمی‌توانیم استقلال پیدا کنیم<sup>۶</sup>

نکته اساسی در این بخش از بیانات امام (ره) ارتباط بین اتکا به خود و تحمل سختی‌های ناشی از آن است. می‌توان چنین گفت که برای اینکه اتکا به خود حاصل شود باید بهایی پرداخت که همانا این بها همان تحمل مشقات و سختی‌هاست؛ یعنی قناعت به تولیدات داخلی علی‌رغم پایین‌تر بودن کیفیتها برای دستیابی به هدفی بزرگتر که همان استقلال و توسعه اقتصادی است. در بیان امام هم چنین جمله‌ای مشاهده می‌شود که می‌گوید: "یک چند سال باید سختی را تحمل کنیم تا بتوانیم خودمان سرپای خودمان بایستیم و آدم باشیم."<sup>۷</sup> امام در باره تحمل سختی‌ها از بعدی دیگر - محاصره اقتصادی - که بازتاب همان تصمیم مبتنی بر اتکا به خود است، می‌فرماید:

من اعتقاد است که اگر ما در محاصره اقتصادی یک ده سال، پانزده سال واقع بشویم، شخصیت خودمان را پیدا می‌کنیم؛ یعنی همه مغزهایی که راکد بودند در آن وقت و نمی‌توانستند فعالیت بکنند به فعالیت می‌افتند... این ابتکارات از برکت محاصره اقتصادی است... این محاصره اقتصادی را که خیلی از آن می‌ترسند، من یک هدیه‌ای می‌دانم برای کشور خودمان... ممکن است یک ده سالی زحمت بکشیم، ده سالی گرفتاری داشته باشیم، اما نتیجه آخرش این است که بعد از ده سال خودمان هستیم، دیگر احتیاج به اینکه دست دراز کنیم طرف این مؤسسه یا آن مؤسسه، یا این کشور و آن کشور، محتاج به این نیستیم.<sup>۸</sup>

واضح است که منظور امام این است که استقلال و توسعه اقتصادی به راحتی قابل دسترس نیست و تحمل زحمات و مشقات زیادی را می‌طلبد. جنگ که به همراه خود سختی‌های فراوانی دارد، در این زمینه نیز تأثیر دارد و عاملی در جهت دستیابی به خودکفایی کشور می‌تواند باشد. امام در این مورد می‌فرماید:

این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهان‌خواران را به خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزاید، امید است که کشور خودکفا شود و از در یوزگی دشمن نجات یابد.<sup>۹</sup>

بنابراین، با ذکر این موارد می‌توان نتیجه گرفت که تحمل مشقات، شرط دستیابی به خودکفایی و توسعه اقتصادی است و هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که مردم و افراد

آن بدون هیچگونه زحمتی به توسعه اقتصادی دست پیدا کرده باشند.

۳-۱-۲- در تمجید و تشویق کار (۳-۱) در ادامه توجه به عناصر مساعد واضح است که در سایه این مطلب که "باید روی پای خودمان بایستیم" و "تحمل مشقات" بکنیم، عنصر دیگری که بطور مکمل می‌تواند حلقه‌های دستیابی به خودکفایی و توسعه اقتصادی را تکمیل کند؛ کار و کوشش و تلاش است. تنها با "بازگشت به خویشتن" به طور انفرادی یا "تحمل مشقات" نمی‌توانیم راه به جایی ببریم. روی این اصل است که در گفتار و نوشته‌های امام (ره) می‌بینیم که به موازات توجه به عناصر قبلی به "تشویق کردن مردم به کار و کوشش بیشتر" نیز عنایت شده است. در واقع تحمل مشقات در کار بیشتر و جدیت فراوانتر هم نمود پیدا می‌کند. امام (ره) کار و تلاش بیشتر را در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی مختص قشری خاص ندانسته، بلکه تمامی آحاد ملت را موظف به انجام کار بیشتر و مفیدتر دانسته‌اند، چنانکه در پیامی که به مناسبت روز کارگر ایراد شده است می‌فرمایند:

حیات یک ملت مرهون کار و کارگر است. کار خلاصه نمی‌شود به جنبش مخصوص، و کارگر خلاصه نمی‌شود به گروهی خاص و به این انگیزه، روز کارگر روز همه ملت است نه بخش خاصی از آن... ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد پیروز شود باید دست از آستین برآورد و به کار پردازد. از متن دانشگاه‌ها تا بازارها و کارخانه‌ها و مزارع و باغستانها تا آنجا که خودکفا شود و روی پای خود بایستد.<sup>۱۰</sup>

این نکته زیاد جای توضیح ندارد که پیروزی انقلاب اسلامی در شکست رژیم وابسته و در دست گرفتن قدرت خلاصه نمی‌شود. در حقیقت پیروزی انقلاب روزی تکمیل می‌شود که اهداف و خواسته‌های انقلاب تحقق یابد. یکی از اهداف انقلاب هم، رهایی از وابستگیهای اقتصادی و کسب خودکفایی و استقلال اقتصادی بوده است. روی همین اصل است که امام در این بیانات تصریح دارند که پیروزی انقلاب در سایه کار و تلاش همه آحاد ملت به دست می‌آید و خودکفایی اقتصادی را به عنوان پیروزی برای انقلاب محسوب می‌فرماید. امام در دوره‌ای پس از پیروزی انقلاب که تظاهرات زیاد شده بود و کارها را تعطیل می‌کردند و به راهپیمایی دست می‌زدند، مجدداً نقش کار و تلاش را در سازندگی، خودکفایی و استقلال اقتصادی کشور یادآور می‌شوند و

می فرمایند:

ایران امروز محتاج کار است. حتی من این اجتماعاتی که در اینجا و در بیرون منزل می شود خیلی صحیح نمی دانم، برای اینکه نباید اینها دست از کار بردارند و همه اش باب تظاهر باشد، تظاهر البته در پیشرفت امور مملکت یک تقویت روحی می کند، لکن دائمی نباید باشد. باید کار کنند مردم. افراد خودشان را موظف بدانند که امروز مملکت احتیاج دارد. یک مملکتی که الآن اقتصادش شکت خورده است، محتاج است، نگذارند که احتیاج باقی باشد که ما در هر چیزمان که آن رژیم ما را مبتلا کرد به وابستگی، این ادامه پیدا بکند.<sup>۱۱</sup>

انجام صحیح کار و وظیفه شناسی بعد دیگری از این مقوله است که در بهبود ساختار اقتصادی مؤثر است و مورد توجه امام هم قرار داشته است. امام در این مورد می فرمایند: هرکس مشغول هر کاری هست، خوب انجام بدهد تا جهت اقتصادی درست بشود. کارخانه های خصوصی، بزرگ، کوچک و کشاورزها هم همین طور. هرکس مشغول هر کاری هست خوب انجام بدهد آن کار را.<sup>۱۲</sup>

در همین مورد، در جایی دیگر می فرمایند:

اگر چنانچه ملتی نخواهد آسیب ببیند، باید این ملت در هر کاری که اشتغال دارد او را خوب انجام بدهد. امروز کشور، محتاج به کار است، یک کشوری که فقیر است، یک کشوری که همه چیزش را غارت کردند و شما هم می خواهید محتاج به اجانب نباشید، محتاج به دشمن هایتان نباشید، باید کار کنید... کار بکنید و برای خدا هم این کار را بکنید، یک نحو عبادتی است برای شما.<sup>۱۳</sup>

می بینیم که علاوه بر اینکه کار خوب و وظیفه شناسی در این بخش مطرح است، به کار به منزله عبادت نگریسته می شود. مسلم است که چنین نگرشی در سطح جامعه اگر عمومیت پیدا کند، تحولات ناشی از آن می تواند تأثیرات مهمی در اقتصاد کشور داشته باشد و نقش چنین طرز تفکر و تلقی از کار را در مورد پیدایش جوامع صنعتی در غرب از دیدگاه ماکس وبر قبلاً توضیح دادیم.

یکی دیگر از مسائل مربوط به تشویق کار، بد دانستن بیکاری و مطرود دانستن آن است. امام در این مورد چنین نظر دارند:

همة اقشار ملت امروز باید یک کاری انجام بدهند، بیکاری، کم کاری بر خلاف مسیر ملت است. امروز این کشور ما احتیاج به کار دارد... چرا باید محتاج به خارج باشیم؟

باید همت کنند، باید بنای بر این بگذارید که مستقل باشند در اقتصاد.<sup>۱۴</sup>

در مجموع با بیان نمونه‌هایی از سخنان امام (ره) در مورد کار و ارزشی که برای آن در تحقق استقلال اقتصادی قائل هستند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که کار یکی از زمینه‌های تحقق توسعه اقتصادی مورد نظر امام بوده است.<sup>۱۵</sup>

۱-۴-۲- مشارکت مردم در امور (۱-۲) از آنجا که انقلاب در سایه مشارکت تمامی آحاد و اقشار مردم توانست راه پیروزی خود را پیماید، امام نیز ضمن توجه دادن به این مطلب، این نکته را مطرح می‌سازند که سازندگی و بازسازی کشور و دستیابی به توسعه اقتصادی نیز در سایه مشارکت مردم در امور به دست خواهد آمد:

همانطوری که برای شکستن آن سد، افراد هر یک دخالت داشتند برای سازندگی یک مملکت هم افراد هر یک دخالت دارند... الآن باید کار کرد و کار را خوب انجام داد، حفظ کردن نهضت را به اینکه همه با هم مشغول ساختن بشویم، همه با هم مشغول تصحیح این اموری که آنها خراب کردند باشیم.<sup>۱۶</sup>

در جایی دیگر می‌فرمایند:

کار یک کشور نمی‌شود انجام بگیرد، الا اینکه همه اجزای کشور، همه افراد کشور در آن همکاری کنند. اگر چنانچه همه ملت ایران، هر کس در هر جا هست اقدام به ساختن این مملکت نکند مملکت به حال خرابه یا نیمه خرابه باقی خواهد ماند و مشغول خواهیم بود همه. هر کس هرکاری را می‌تواند باید به طور مقتضی، با صبر و تحمل اقدام بکند، اگر همچو چیزی شد یک مملکت آباد و صحیح و خوب محقق خواهد شد.<sup>۱۷</sup>

یک طرز تلقی غیر صحیحی که در برخی از اذهان وجود دارد این مطلب است که اگر دولت در برنامه‌های مختلف خود اقدام بکند، خواهد توانست مملکت را به سمت توسعه و پیشرفت ببرد. امام (ره) ضمن رد این نظر معتقد به این مطلب هستند که تنها در گرو مشارکت تمامی اقشار می‌توان در انتظار چنین پیشرفت و ترقی بود. ایشان در این مورد چنین می‌گویند:

این خرابه را چه کسی باید آباد کند؟ این خرابه را دولت می‌تواند تنها؟ نه، دولت همچو بودجه‌ای ندارد، نمی‌تواند. ملت هر قدرش می‌تواند؟ نه، اما همت ملت همه با هم، اجتماع با هم و همه اتکا به خداوند، اتکا به قرآن کریم، همه با هم باید قیام

بکنیم، همه با هم تشریک مساعی بکنیم تا این خرابه را آبادش کنیم.<sup>۱۸</sup>  
در جایی دیگر امام(ره) در بیان این مطلب که ما باید صنعتی پیشرفته داشته باشیم،  
کوشش و همکاری تمامی اقشار را برای دستیابی بدان ضروری می‌داند:

تا ما نتوانیم صنعت خودمان را برسانیم به آنجایی که دیگر محتاج به دیگران نباشیم  
وابسته‌ایم. باید همه کوشش کنیم، آنهایی که مخترع هستند، آنهایی که متفکر هستند.  
زارعین، کارخانه‌دارها، همه کوشش کنند که خودشان کار خودشان را انجام دهند.<sup>۱۹</sup>

با ذکر این نمونه، می‌توان دریافت که امام بر مشارکت تمامی اقشار و آحاد جامعه در  
امور مربوط به آن توجه دارند. باید اضافه کرد که یکی از زمینه‌هایی که بسیار مورد  
تأکید امام بوده، همین موضوع مشارکت مردم در انجام کارهاست. فراوانی سخنان امام  
در این زمینه<sup>۲۰</sup> هم حاکی از همین مطلب است که تحقق توسعه اقتصادی منوط به شرکت  
فعال و گسترده مردم در صحنه‌های مختلف اقتصادی بویژه در فعالیتهای تولیدی است.  
۱-۵-۲- تعلیم و تربیت (۵-۱) تعلیم و تربیت از جمله مواردی است که امام همیشه و در  
تمام دوران به آن توجه داشته‌اند و نقش آن را در استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی،  
مهم و اساسی می‌دانستند. ایشان در این مورد معتقد بودند که نیروی انسانی به کار گرفته  
شده در تمام بخشهای جامعه از طریق نهادهای آموزشی، وارد صحنه می‌شوند. امام در  
این مورد در سال ۴۳ چنین می‌فرمایند:

راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع  
بشود. اگر فرهنگ درست بشود یک مملکت اصلاح می‌شود. برای اینکه از فرهنگ  
است که در وزارتخانه‌ها می‌رود، از فرهنگ است که در مجلس می‌رود. از فرهنگ  
است که کارمند درست می‌شود.<sup>۲۱</sup>

لازم به توضیح است که منظور امام از فرهنگ، اداره آموزش و پرورش است، که  
قبلاً به این اسم معروف بوده است. به هر حال امام (ره) نقش فرهنگ و آموزش را  
اساسی دانسته و هنگامی که صحبت از بازسازی کشور می‌شود، باز می‌بینیم که صحبت  
از نقش اساسی آموزش و پرورش در حل مشکلات کشور، اعم از سیاسی و فرهنگی و  
اقتصادی می‌شود.

مسأله فرهنگ و آموزش و پرورش در رأس مسائل کشور است. اگر مشکلات فرهنگی  
و آموزشی به صورتی که مصالح کشور اقتضا می‌کند حل شود، دیگر مسائل به آسانی



حل می‌شود. ۲۲

باید گفت که منظور از "تعلیم و تربیت" و توجه امام(ره) به آن شامل آموزش و پرورش، دانشگاه و حوزه‌های علمیه و بطورکلی تمامی نهادهای آموزشی و پرورشی کشور می‌شود و اصولاً امام سهم بسزایی برای نهادهای آموزشی و پرورشی در فرایند توسعه اقتصادی قائل بوده‌اند اما، نکته مهم در این میان این است که امام به آموزش بطور یکجانبه عنایت خاصی نداشته‌اند - منظور تعلیم است - بلکه بر روی تربیت هم تکیه داشته‌اند و هر دو را به عنوان مکمل هم، مورد توجه قرار می‌دهند:

قضیه تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت فرهنگ صحیح باشد. شما کوشش کنید فرهنگ را، فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید. جوانهایی که در این فرهنگ تربیت می‌شوند همانهایی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیایند، همه خدمتگزار به مردم، امین به بیت‌المال، و همه اینها در تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می‌کند. اگر یک مملکتی فرهنگش اینطور تربیت بشود، این فرهنگ، فرهنگ غنی اسلامی است و مملکت، یک مملکت آرام مترقی خواهد بود. ۲۳

بر این اساس می‌بینیم که امام بر تربیت نیروی انسانی و متخصص و متعهد تأکید داشته و وجود چنین نیرویی را در پیشرفت و ترقی کشور مؤثر می‌دانند و این را وظیفه نهادهای آموزشی می‌دانند که باید به گونه‌ای تحول پیدا کنند تا بتوانند چنین افرادی را به جامعه تحویل دهند. در همین جا می‌توان این مطلب را تأکید کرد "که امام بر نقش افراد در تحول جامعه و ساختارهای آن از جمله ساختار اقتصادی" اعتقاد داشته‌اند، چنانکه در بخشی دیگر می‌فرمایند:

اگر آدم ما بسازیم مملکت ما نجات پیدا می‌کند. همیشه آدمها هستند که مقدرات کشورها را در دست می‌گیرند. متها بعضی آدمها به صورت آدم و واقع شیطان و بعضی‌ها آدم و همیشه از فرهنگ این اشخاص بزرگ قیام می‌کنند. اشخاصی که ملتها را می‌توانند نجات بدهند و کشور را می‌توانند آباد کنند؛ مقدرات هر مملکتی به دست همینهاست که از فرهنگ بیرون می‌آیند و پیشرفت و عقب ماندگی هر کشوری باز به دست همین معلمین است. ۲۴

مشاهده می‌کنیم که طبق همان اعتقادی که گفته شد، امام به نقش افراد صالح در

پیشبرد مملکت اهمیت زیاد داده و نهادهای آموزشی کشور را در تربیت چنین افرادی مسئول دانسته و نهایتاً پیشرفت یا عقب ماندگی یک کشور را نتیجه عملکرد همین نهادهای آموزشی می‌دانند. بعد دیگری از مسأله تعلیم و تربیت که امام (ره) عنوان کرده‌اند "استقلال فرهنگی" است که آن را به عنوان زمینه استقلال در ابعاد دیگر می‌دانند. بر این اساس امام به بازسازی فرهنگی جامعه و توجه به تعلیم و تربیت بسیار اهمیت داده‌اند. امام در این زمینه می‌فرمایند:

استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکانپذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است. اتفاقی نیست که مراکز تعلیم و تربیت کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً غربی‌ها و اخیراً امریکا و شوروی قرار گرفت.<sup>۲۵</sup>

به هر حال، در مجموع در می‌یابیم که تعلیم و تربیت از زمینه‌های اصلی است که امام بدان توجه داشته‌اند و پیشرفت و توسعه در امر تعلیم و تربیت را عاملی در دستیابی به توسعه در زمینه‌های دیگر و از جمله توسعه اقتصادی می‌دانند.<sup>۲۶</sup>

۱-۶-۲- ترجیح نفع جمعی در مقابل نفع شخصی (۶-۱) از جمله مواردی که می‌توان به عنوان دستاورد این تحقیق دانست، ارائه عنصر فوق به عنوان یکی از عناصر اخلاقی و فرهنگی مؤثر در فرایند توسعه اقتصادی است. نقش این عنصر در بسیاری از مطالعات توسعه، کم رنگ در نظر گرفته شده است و در مقابل توجه به نفع و منفعت شخصی را عاملی مؤثر در پیشبرد توسعه اقتصادی دانسته‌اند. امام در این مورد ما را به این مسأله توجه می‌دهند که علی‌رغم محترم شمردن نفع شخصی باید به منافع جمعی و ملی با دیدی وسیعتر و مهم‌نگریست و آن را بر نفع شخصی مقدم دانست؛ امام در این مورد می‌فرمایند:

گاهی انسان می‌خواهد برای منافعش یک کاری بکند. گندم زیاد شود منفعت ببرد، این یک مسأله‌ای است که در اختیار خودش می‌باشد، اگر نخواست هم نمی‌برد. الآن کشور شما در یک حالی است که وظیفه شرعی و الهی است که کاری کنید تا وابسته به غیر نباشید.<sup>۲۷</sup>

نکته مهم در این عبارت این است که امام کارهایی را به نفع جمع می‌دانند که در

خدمت منافع کلی جامعه باشد؛ یعنی فعالیتهای تولیدی را مورد اشاره قرار می‌دهند و به افراد این بینش را می‌دهند که علاوه بر اینکه به نفع شخصی خود توجه می‌کنند باید به نفع کلی جامعه هم التفات داشته باشند؛ یعنی اگر گندم را برای نفع شخصی می‌کارند، بدانند که این کار برای جامعه هم مفید است در صورتی که خیلی کارهای دیگر تنها نفع شخصی دارد و چه بسا که در مجموع برای جامعه ضرر هم داشته باشد.

امروز ملت شما در حال جنگ اقتصادی است. زمان، زمان آرامی نیست که بگویید خوب، ما زیاد منفعت نمی‌خواهیم ببریم، باید همه قشرهای ملت، هر کس هر جوری که می‌تواند تولید کند. این هم یک وظیفه شرعی را ایجاد می‌کند که ما باید خودمان را نجات بدهیم، یک طبقه نشینند تا یک طبقه دیگر کار کنند.<sup>۲۸</sup>

در جایی دیگر در تشویق به ترویج چنین روحیه‌ای می‌فرمایند:

همه باید برای هم کار بکنند. همانظوری که آنها موظفند که کار بکنند، شما هم موظفید که کار بکنید برای مردم، من هم موظفم کار بکنم. یک مملکتی است مال همه‌تان، مال یک دسته خاصی نیست، که شما بگویید که اینکه منافعش را می‌برد پس چرا کار نمی‌کند. منافع مال همه است، مضارش هم مال همه است، مملکت مال همه است.<sup>۲۹</sup>

در همین مورد در جایی دیگر چنین می‌فرمایند:

این مملکت از خودتان است، مثل اینکه برای منزل خودتان شما زحمت می‌کشید، حالا باید برای مملکتان زحمت بکشید. عاید خود کشور می‌شود و زحمت‌ها هدر نمی‌رود.<sup>۳۰</sup>

در همین ارتباط، امام به وظیفه‌شناسی افراد اشاره می‌کنند و اینکه اگر فرد وظایف

خود را انجام دهد، در جهت منافع جامعه خواهد بود:

اگر یک روحیه معاونت معنوی پیدا بشود در انسان، در همه، که هر کس خودش را موظف بداند به اینکه علاوه بر اینکه خودش یک آدمی است که می‌خواهد عدالت بکند، وظیفه‌شناس است، پشت میز که نشسته کار خودش را می‌کند و کار مردم را می‌خواهد انجام بدهد، روی وظایف است، نه روی طمع است، نه روی ترس و خوف است، روی وظیفه است. اگر یک همچو چیزی در یک کشوری پیدا شد، این کشور مرفی است. کشور مرفی این است که افرادش مرفی باشند، فرد مرفی آن است که وظیفه‌شناس است.<sup>۳۱</sup>

بطور کلی، اگر بخواهیم تأثیر این عنصر را در فرایند توسعه اقتصادی بیان کنیم، علاوه بر اینکه به عنوان یک باور فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری در رفتار انسانی افراد جامعه داشته باشد، در بهبود ساختار اقتصادی هم می‌تواند تأثیر مثبت داشته باشد. زمانی که مشاغل در جامعه رواج دارند و هیچکدام به بهبود وضعیت اقتصادی کشور- که همان منافع جمعی است - کمکی نمی‌کند، طبیعتاً این مشاغل به حداقل خواهد رسید و گرایش به مشاغلی که در بهبود وضعیت اقتصادی مؤثر هستند زیاد خواهد شد، به شرطی که چنین یاوری واقعاً به صورت یک باور فرهنگی در اذهان افراد جامعه قرار گرفته باشد. نمونه مشاغل نوع اول کارهای واسطه‌گری، دلالتی و... و نمونه کارهای دوم تمام کارهای تولیدی است.

۱-۲-۴ ثبات و امنیت (۱-۲) بی‌شک یکی از پیش شرطهای لازم و ضروری برای هر برنامه‌ریزی اقتصادی و انجام هرگونه اعمال سازندگی "وجود ثبات و امنیت" است. وجود آرامش در یک جامعه به رونق و افزایش فعالیت‌های اقتصادی و سازندگی منجر می‌گردد و روی همین اصل است که برقراری آرامش و امنیت از اولین برنامه‌های هر حاکمیت جدیدی در یک جامعه است. امام (ره) در مورد ارتباط آرامش و فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی می‌فرمایند:

ما در سایه آرامش و وحدت می‌توانیم این کشور را به مقاصد عالی اسلامی برسانیم و این مستضعفین را از آن ظلمهایی که در طول تاریخ به آنها شده است. نجات دهیم. اگر آرامش نباشد کشاورزی نخواهد بود، اگر آرامش نباشد صنعت نخواهد راه افتاد. اگر آرامش نباشد اصلاحاتی که باید بشود و برای مستضعفین عمل بشود، نخواهد شد. ۳۲

و در ادامه می‌فرمایند:

آن چیزی که برای ما مهم است آرامش است. در همه‌جا، در سطح کشور، در بین کشاورزان، در بین کارخانه‌ها، در بین صاحبان صنایع و خصوصاً در بین دانشگاه. از دانشگاه است که تمام علوم به خارج و به جوانان ما می‌رسد و این احتیاج به آرامش دارد. ۳۳

در جایی دیگر، ایشان در تأکید بر آرامش و تأمین امنیت، برای اصلاح ساختار اقتصادی می‌فرمایند:

شما بدانید که هرچه آرامتر باشد مملکت، بهتر می‌شود اصلاحش کرد. در یک محیطی که توی خیابان بریزند به جان هم، نمی‌شود اقتصادش را درست کرد. وقتی محیط آرام باشد آن وقت کسانی که می‌خواهند خدمت بکنند، این را می‌توانند خدمت بکنند.<sup>۳۴</sup>

امام(ره) با تأکید بر این مطلب که در حال استقرار و سازندگی، آرامش لازمه اساسی سازندگی است، فتنه‌جویان را به آرامش دعوت می‌کنند تا زمینه‌های آبادانی مملکت فراهم آید:

با جو آرام و با حکم اسلام و با پیاده شدن احکام قرآن است که دنیا و آخرت همه شماها ان شاء الله تأمین خواهد شد. اگر مهلت بدهند این اشخاص که در صدد فتنه‌جویی هستند، خواهند دید که دولت و ملت همه با هم یکی هستند و دست به دست هم می‌دهند و این کشور را آباد می‌کنند و این کشور را از وابستگی به خارج رها می‌کنند و ما آن رفاهی را که در اسلام و آن طمأنینه‌ای را که در اسلام برای افراد حاصل خواهد شد، حاصل کنیم در این کشور.<sup>۳۵</sup>

با توجه به این بیانات می‌توان گفت که ثبات و امنیت به عنوان یکی از زمینه‌های لازم و ضروری برای تحقق توسعه اقتصادی در کشور است. اهمیت عنصر "ثبات و امنیت" را در تحقق بخشیدن به توسعه اقتصادی، با نگاهی به وضعیت کشورهای مختلف جهان از لحاظ پیشرفت و توسعه اقتصادی از طرفی (متغیر وابسته) و میزان ثبات و امنیت موجود در آن کشور (متغیر مستقل) می‌توان بررسی کرد.

با نگاهی به اوضاع و احوال سیاسی چند دهه گذشته و حال جهان - پس از جنگ دوم- در می‌یابیم که بیشترین ناامنی‌ها- اعم از جنگ بین دو کشور، درگیریهای خشونت آمیز قومی، درگیریهای خونین گروهی، شورشها، انقلابات و کودتا و غیره- در بین کشورهایی به وقوع پیوسته است که دارای کمترین میزان پیشرفت در توسعه اقتصادی بوده‌اند (یعنی کشورهای جهان سوم) و بیشترین میزان ثبات و امنیت را کشورهای توسعه نیافته و صنعتی برای خود فراهم آورده‌اند تا تضمین کافی برای سرمایه‌گذاری و گسترش و توسعه منافع خود داشته باشند؛ هرچند که تحقق توسعه اقتصادی نیز در یک کشور زمینه‌ای برای گسترش ثبات و امنیت در آن کشور می‌گردد ولی نقش ابتدایی ثبات و امنیت در تحقق توسعه اقتصادی بسیار مهمتر و آشکارتر است.

روی این اصل، باید گفت که ثبات و امنیت همانطور که امام (ره) هم به آن اشاره دارند نقش مهم و اصولی در انجام فعالیتهای اقتصادی و تحقق توسعه اقتصادی در کشور به عهده دارد.

## ۲-۴- عناصر نامساعد توسعه اقتصادی

۲-۲-۱- وابستگی فکری (مربذمی) (۲-۱) همانطور که در بیان ویژگیهای توسعه اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره) عنوان شد، امام وابستگی فکری را زمینه‌ای برای وابستگی در ابعاد دیگر می‌داند. ایشان در این مورد می‌فرمایند:

افکار جوانهای ما، پیرمردهای ما، تحصیلکرده‌های ما، روشنفکرهای ما، بسیاری از این افکار وابسته به غرب است، وابسته به امریکاست و لهدا حتی آنهایی که سؤ نیت ندارند و خیال می‌کنند می‌خواهند خدمت کنند به مملکت خودشان، از باب اینکه راه را درست نمی‌دانند و باورشان آمده است که ما باید همه چیز را از غرب بگیریم، این وابستگی را دارند این وابستگی سر منشأ همه وابستگیهاست که ما داریم. اگر وابستگی فرهنگی را داشته باشیم دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست.<sup>۳۶</sup>

در جایی دیگر در توضیح وابستگی فکری چنین می‌فرمایند:

یک بچه را از آن بچگی، کوچکی که بوده است در دامن مادرش و تارفته دبستان، تارفته است به دبیرستان، تارفته است در دانشگاه، هر جا رفته تبلیغات جوری بوده است که این را وابسته بار آورده است، اعتقادش این شده که به غیر ارتباط با خارج نمی‌شود کاری کرد، خودمان چیزی نداریم. همه باید دست به دست هم بدهیم برای این جهت که این وابستگی از بین برود و یک مملکتی باشد که هم اقتصادش باشد...<sup>۳۷</sup>

وابستگی فکری که همان "تعلیم و تربیت ضد توسعه" است، ضربات زیادی به پیشرفته جامعه مازده است. امام در این مورد بسیار صحبت کرده‌اند از جمله در بخشی از سخنانشان می‌فرمایند:

باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است، قسمت عمده‌اش از دانشگاه‌ها بوده است. اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز

نمی‌شد و هرگز ذخایر ایران و طلای سیاه این ملت رنج‌دیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌ای به آن، اموال ملت را نمی‌توانستند به غارت برند.<sup>۳۸</sup>

روشن است، که این نوع وابستگی، در درازمدت جامعه را تحت تأثیر قرار داده، چنانکه امام پس از گذشت قریب به شش سال از پیروزی انقلاب، هنوز آن را مانعی برای توسعه اقتصادی می‌دانند:

اکنون نیز کشور و ملت اسلامی ما از گرفتاری آن (دانشگاه وابسته رژیم قبل) خارج شده و شک نیست که گرفتاری ما در بعد اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بلکه در جنگ تحمیلی و شرارت وابستگان به دو قطب سلطه‌جو از آثار شوم دانشگاه‌های مبتلا به غرب و شرق‌زدگان ضد اسلامی و ضد ملی است.<sup>۳۹</sup>

در جایی دیگر می‌فرمایند:

اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیایم، همه وابستگیها تمام می‌شود. اینکه ما وابسته شدیم، در اقتصاد وابسته هستیم، در فرهنگ وابسته هستیم، در همه چیز وابسته هستیم، مبدأ این همین است که در فکر وابسته، فکرمان نمی‌تواند بکشد این را که ما خودمان هم فرهنگ داریم، خودمان هم فرهنگمان غنی است، خودمان همه چیز داریم.<sup>۴۰</sup>

همانطور که گفته شد امام در مورد فکر وابسته و غربزدگی به عنوان یک مانع بزرگ در توسعه کشور، بسیار توجه داشته‌اند<sup>۴۱</sup> و آن را یکی از بزرگترین مصایب جامعه و فرهنگ ما دانسته‌اند و روی همین اصل بود که در بین عناصر مساعد نیز امام (ره) توجه خاصی به تعلیم و تربیت داشتند تا تأثیرات اینگونه وابستگی را از جامعه در درازمدت از بین ببرند.

۲-۲-۲- روحیه یاس و نومیدی و ناتوانی (۲-۲) ایجاد روحیه یاس در افکار یک ملت تأثیرات عمیقی به جای می‌گذارد و اصولاً حرکت را به سمتی که منافع کشور اقتضا می‌کند سلب می‌کند و نهایتاً وابستگی فکری را، که در قسمت قبل توضیح داده شد، جایگزین فکر آزاد و مستقل از وابستگیها می‌کند. امام در این مورد می‌فرمایند:

یکی از امور بسیار مهم که آنها کارهای خودشان را با آن انجام می‌دهند، مایوس کردن قشرهای مختلف کشور است. مایوس‌شان بکنند از اینکه ماکاری ازمان می‌آید. کوشش داشتند در رژیم سابق به اینکه مردم را از همه چیز مایوس کنند. ما می‌توانیم،

باید از غرب درست بشود. ما همسایه کذا داریم. مایوس می‌کردند مردم را از اینکه بتوانند خودشان یک کاری انجام بدهند.<sup>۴۲</sup>

در توضیح یأس می‌فرمایند:

یأس از جنود ابلیس است؛ یعنی شیطانها انسان را وا می‌دارند همین ابلیسهایی که می‌بینید در طول تاریخ ملت‌های ضعیف را مایوس کرده‌اند، همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف تزیق کرده‌اند که ما هیچ نمی‌دانیم و هیچ نمی‌توانیم، همین‌هایی که به ملت‌های ضعیف به واسطه وابستگی‌شان به خارج گفتند که ما باید غربی باشیم.<sup>۴۳</sup>

درباره آثار روحیه مایوس و ناتوان می‌فرمایند:

آنها که می‌خواستند مخازن این کشورهای ضعیف را ببرند، نقشه‌های درست فکر کرده آنها این بود که مردم این کشورها، ملت این کشورها را باور بیاورند که خودشان ناتوانند، ناتوانی را به خورد کشورهای مستضعف بدهند و خورد مردم با این باور که ما نمی‌توانیم صنعتی را خودمان ایجاد کنیم و این باور که به وسیله غریزدگان در این ممالک پیاده شد این کشورها را به تباهی و عقب‌ماندگی کشاند. هر کشوری که اعتقادش این باشد که نمی‌تواند خودش صنعتی را ایجاد کند این ملت محکوم به این است که تا آخر نتواند و این اساس نقشه‌هایی بوده است که برای ملل ضعیف دنیا، قدرتهای بزرگ کشیده‌اند و این باور مادامی که در کشورهای جهان و کشورهای مستضعف هست، برای همین باور تا آخر مبتلا و وابسته هستند.<sup>۴۴</sup>

در ادامه آثار و عواقب روحیه یأس و نومیدی بر پیشرفت کشور، می‌فرمایند:

... و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملت‌های ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگهداشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرت شیطانیشان ترسانده‌اند که جرأت دست‌زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم، بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان شرق و غرب زده بی‌فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و قدرت بومی ما را سرکوب و مایوس نموده و می‌نمایند.<sup>۴۵</sup>

همانطور که در بخش عناصر مساعد توسعه اقتصادی ملاحظه کردیم، امام (ره) برای این عنصر نامساعد نیز چاره‌اندیشی کرده و با ترویج روحیه خود اتکایی اعتماد به نفس



سعی در زدودن تأثیرات روحی این طرز تفکر و مانع فرهنگی داشته‌اند. ۲-۲-۳- رژیم وابسته (۲-۳) در راستای عناصر مانع توسعه اقتصادی، که قبلاً ذکر آن رفت، این عنصر نیز به عنوان یکی از حلقه‌های مانع توسعه اقتصادی عمل می‌کرده است و چگونگی عمل آن هم در تمام ابعاد زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است و عناصر قبلی را نیز می‌توان نتیجه وجود چنین عنصری دانست. امام در مورد نتایج حکومت رژیم وابسته (پهلوی) چنین می‌گوید:

یک مملکت آشفته، یک کشور شکست خورده، یک کشور دزد زده غارت زده به جا گذاشتند. نیروهای انسانی ما را عقب راندند، نگذاشتند ترقی بکنند و مخازن ما را بردند و جواهرات ایران را حمل کردند و به خارج بردند و ایران را به طور شکست خورده فقیر باقی گذاشتند. در اقتصاد بکلی اقتصاد اینجا شکست خورده است و شما وارث یک مملکت ویرانه هستید...<sup>۴۶</sup>

در جایی دیگر، امام (ره) در این باره چنین می‌فرماید:

ما وارث یک مملکت هستیم که همه چیزش را این مرد به فنا داد. همه چیزش را شما روی هر مطلبی دست بگذاری روی هر مظهري از مظاهر تمدن که دست بگذاری این به باد داده است، به باد داد و فریاد زد که من تمدن بزرگ آوردم. دانشگاه ما را به باد داد و فریاد زد که من تمدن بزرگ آوردم. زراعت ما را به باد فنا داد، نفت ما را همه‌اش تقریباً داد، همه چیز ما را به باد فنا داد.<sup>۴۷</sup>

امام (ره) در مورد رژیم وابسته، "حکومت پهلوی در ۵۰ ساله قبل از پیروزی انقلاب اسلامی" را در عدم پیشرفت کشور و عقب ماندگی آن بسیار مقصر می‌دانند و در این مورد می‌فرمایند:

ما الآن مسائل بسیار مشکل در پیش داریم و وارث یک مملکت از هم پاشیده که در ظرف ۵۰ سال سلطنت پهلوی و بیشتر از ۳۰ سال سلطنت محمدرضا آقادر خرابی در مملکت وارد شده، که ما باید با همه جمیع طبقات ملت قیام کنیم برای ترمیم اولین قدمی که ما باید برداریم ترمیم این خرابیهایی است که به وسیله شاه که از اعمال خارجی بوده به وجود آمده...<sup>۴۸</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیز باقیمانده عناصر رژیم قبلی در سمت‌گیری مثبت فعالیت‌های اقتصادی و توسعه مانع بوده‌اند که امام بدان اشاره دارند. ما باید جلو برویم، ما باید یک ایران، یک ایران آباد، یک ایران آزاد، یک ایران

مستقل، یک ایرانی که همه قشرهای آن در رفاه باشند، ما می‌خواهیم همچو ایرانی باشد و این ریشه‌های گنبدیده هم مانع هستند.<sup>۴۹</sup>

در مورد تأثیر رژیم وابسته در عدم تحقق توسعه اقتصادی و پیشرفت کشور، امام بسیار صحبت فرموده‌اند<sup>۵۰</sup> که حاکی از این مطلب است که در صورتی که یک رژیم در چارچوب منافع ملی خود عمل نکند، آن رژیم وابسته خواهد بود و عاملی در جهت عقب‌ماندگی و عدم تحقق توسعه اقتصادی در کشور خواهد بود.

۲-۲-۴- عوامل خارجی مانع توسعه (۲-۴) نقش عوامل خارجی در عقب‌نگهداشتن کشور از جمله مواردی است که امام از اولین روزهای مبارزه خود با رژیم وابسته پهلوی آن را آشکار ساخته و به آن اشاره می‌کنند. در کتاب ولایت فقیه ایشان چنین می‌نویسند:

نقشه آن است که ما را عقب‌مانده نگه دارند و به همین حالی که هستیم و زندگی نکبت‌باری که داریم نگه دارند تا بتوانند از سرمایه‌های ما، از مخازن زیرزمینی و منابع و زمینها و نیروی انسانی ما استفاده کنند. می‌خواهند ما گرفتار و بیچاره بمانیم، فقرای ما در همان بدبختی بمانند و آنان و عمالشان در کاخهای بزرگ بنشینند و آن زندگی مرفه و کذایی را داشته باشند.<sup>۵۱</sup>

و در ادامه می‌فرمایند:

آنها نفت شما را می‌خواهند، به نماز شما چکار دارند؟ آنها معادن ما را می‌خواهند. می‌خواهند کشور ما بازار فروش کالاهای آنها باشد و به همین جهت حکومت‌های دست‌نشانده آنها از صنعتی شدن ما جلوگیری می‌کنند یا صنایع وابسته و مونتاژ تأسیس می‌کنند.<sup>۵۲</sup>

این سخنان دقیقاً به اوضاع اقتصاد بین‌المللی حاکم بر جهان و اعمال آن توسط کشورهای امپریالیستی اشاره دارد که در قالب یک اقتصاد جهانی و رابطه بین کشور متروپل و کشورهای اقماری شکل می‌گیرد. نقشی که کشورهای غربی بویژه آمریکا در عقب‌نگهداشتن ما داشتند در مسلط کردن رژیمهای وابسته قبلاً توضیح داده شد، ولی در این بخش هم به لحاظ ارتباطی که با عوامل خارجی دارد بدان اشاره‌ای می‌شود. امام در این مورد می‌فرمایند:

اینها نمی‌گذارند که ایران به آنطوری که باید و شاید اداره بشود و هر چندی یکبار یک مأموری می‌گمارند برای اینکه مردم را غافل کنند یا به عقب برانند. چنانکه در

این پنجاه و چند سال ما خودمان شاهد بودیم که رضاخان آمد و همه مآثر ما را از بین برد، تمام قشرهایی که می‌توانستند خدمت بکنند به این مملکت سرکوب کرد و بعد از او هم این خلقتش که به خوبی خلف اوست؛ یعنی همانطور که او خائن و جنایتکار بود، این هم خائن و جنایتکار بود، بر ما مسلط کردند و سالهای طولانی همه چیز ما را به عقب زدند و همه ثروت ما را بردند.<sup>۵۳</sup>

امام (ره) به همان اندازه‌ای که رژیم وابسته پهلوی را عامل عقب‌ماندگی کشور می‌دانستند، عوامل خارجی بویژه قدرتهای غربی و امریکا را در عقب ماندن کشور و ممانعت از تحقق توسعه اقتصادی در کشور سهیم می‌دانند.<sup>۵۴</sup>

۲-۲-۵- اعتقاداتی از جامعه (۲-۵) چنانکه در بخش وابستگی فکری توضیح داده شد، تعلیم و تربیت هم می‌تواند زمینه مساعدی برای توسعه باشد و هم مانعی برای توسعه. از آنجا که تأثیرات تعلیم و تربیت ضد توسعه بسیار گسترده است، می‌توان برای آن ابعاد گوناگون تصور کرد؛ یکی از ابعاد مهم آن در بخش وابستگی فکری و غربزدگی از بیان امام توضیح داده شد و بعد دیگر آن که بسیار مهم است، "اعتقاداتی از جامعه" است. اعتقاداتی از جامعه تأثیر خود را در روحیه یأس و نومیدی نمودار می‌سازد و باعث گسترش وابستگی فکری و سپس وابستگیهای اقتصادی و... در جامعه می‌گردد. به لحاظ اهمیت "اعتقاداتی در جامعه" در این بخش به طور جداگانه بدان پرداخته می‌شود. در توضیح این جریان امام (ره) می‌فرمایند:

ما می‌گوییم که دانشگاه‌های ما مانع از ترقی فرزندان این آب و خاک است. ما می‌گوییم که جوانهای ما اگر علم هم پیدا کردند، تربیت ندارند، مربا به تربیت اسلامی نیستند. آنهایی که تحصیل می‌کنند. برای این است که یک ورقه‌ای به دست بیاورند سر بار ملت بشوند. آنطور نیست که به حسب احتیاجات ملت، به حسب احتیاجاتی که کشور ما دارد، دانشگاه به آن تربیت رفتار کند و نگذارد این نسلهای بزرگ و این جوانهای بسیار عزیز به هدر بروند و قوای آنها به هدر برود. قوای ما را به هدر بردند یا به خدمت خارجی‌ها وادار کردند.<sup>۵۵</sup>

عنصری که امام (ره) بدان تأکید دارند - در این بخش - تربیت اسلامی است؛ یعنی همان چیزی که تحت نام هویت مستقل فرهنگی در مباحث جامعه‌شناسی مطرح است و نبود آن را در جامعه عامل عقب‌ماندگی ذکر می‌کنند. در این مورد امام در جایی دیگر

می‌فرمایند:

آنهايي که برای چايدن اين کشورها نقشه کشيدند، آنها استادها و متفکريني بودند که مي‌دانستند چطور يک کشور را مي‌توانند به واسطه آن برنامه‌هايی که دارند خواب کنند و جوانهای ما را تهی کنند از آن انسانيت و اسلاميتی که داشته باشند تا راه را باز کنند برای بردن همه ذخائر کشور ما و کردند و آن کردند که در ظرف پنجاه و چند سال آخر نگذاشتند که تربيت، تربيت صحيح در اين ملت تحقق پيدا بکند.<sup>۵۶</sup>

در اين سخنان امام (ره) با تأکيد بر اين مطلب که با گرفتن انسانيت و اسلاميت - يعني تربيت - توانستند کشور ما را عقب مانده نگهدارند، به زمينه‌ناهي مانع توسعه اشاره دارند. در همين مورد در بياني ديگر می‌فرمایند:

اينهايي که به مملکت ما خيانت کردند و مملکت ما را به تباهي کشاندند اينها آنها بودند که ايمان نداشتند. اگر در بين آنها يک نفر ايمان داشت، آن يک نفر اين کارها را نمي‌کرد. آنهايي که خوردند و بردند و ما را به تباهي کشاندند آنهايي بودند که به اسلام کار نداشتند، اعتقاد نداشتند، به ماوراء طبيعت، اعتقاد نداشتند، به معنويات عقیده نداشتند... اگر معنويت در کار نباشد و همه مربوط به ماديت باشد، هرچا آخر بهتر است سر آن آخور می‌روند ولو اينکه آن آخور را امريکا برايش درست کند.<sup>۵۷</sup>

اين بيان از امام (ره) به ما چنين می‌نماياند که امام (ره) معتقد هستند که اگر ايمان و اعتقاد به معنويت که جزو باورهای فرهنگي جامعه‌مان است، در بين نباشد، امکان پيشرفت و رشد فراهم نمی‌شود. بعد ديگري از اعتقادزدايي را امام تحت عنوان "نداشتن تهذيب" بيان می‌کنند و تأثير آن را چنين تفسير می‌کنند:

هرچه مال اضافه بشود، حرص انسان بيشر می‌شود، هرچه قدرت اضافه بشود حرص انسان به قدرت اضافه می‌شود و اگر مذهب نباشد انسان، آن قدرت را برای خودش به کار می‌گيرد وقتی برای خودش به کار گرفت، دولتهای بزرگي که هستند، ابر قدرت‌هايی که هستند يک همچو آدم قدرتمندی را پيدا می‌کنند و اين آدم قدرتمند را به او بال و پر می‌دهند و اين را به مقام می‌رسانند تا اينکه ملت را استضعاف کند و ذخاير ملت را بچايد.<sup>۵۸</sup>

در اين بخش، امام چگونگي به وجود آمدن افراد ديکتاتور را به قدرت و تأثير به قدرت رسيدن آنها را در عقب ماندن کشور از پيشرفت و ترقی بيان می‌کنند و عامل مهمی که در پيدايش اين جريان نقش دارد، همان نداشتن اعتقاد و ايمان و اخلاق است.

بدین صورت می‌توان گفت که از مجموع این بیانات، تأثیر اعتقاد را به عنوان یک باور فرهنگی پذیرفته شده در جامعه ما در پیشرفت جامعه و عدم توجه به اعتقادات را عاملی در ممانعت از پیشرفت و توسعه کشور، می‌توان دریافت و اعتقادزدایی که بر خلاف هویت مستقل فرهنگی جامعه عمل می‌کند، مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور است که این معنا را در بسیاری از سخنان امام (ره) می‌توان مشاهده کرد.<sup>۵۹</sup>

## ۵- نتیجه‌گیری

بطوری که در ابتدای این نوشتار توضیح داده شد، توسعه اقتصادی و بازسازی اقتصادی - اجتماعی جوامع جهان سوم، یکی از مهمترین معضلات این جوامع در نیمه دوم قرن اخیر بوده است. کشور ما نیز که سالیان دراز به تجربه کردن الگوهای توسعه غربی مشغول بوده، با پیروزی انقلاب اسلامی در صدد یافتن و جایگزین نمودن الگوی جدیدی در توسعه اقتصادی برآمد به گونه‌ای که پیدا کردن الگوی مناسبی از توسعه برای ارائه به جامعه، طی سالهای اخیر یکی از کنکاشهای ذهنی بیشتر آگاهان جامعه ما بوده است.

به همین ترتیب، همانگونه که در طول تحقیق اشاره شد، از نظر دانشمندان علوم اجتماعی، برخی عناصر با توسعه اقتصادی مناسبت دارند و وجودشان در جامعه باعث تسهیل در روند توسعه می‌گردد و بعضی از زمینه‌های موجود در جامعه با توسعه اقتصادی منافات دارند و حضور آنها در جامعه به کند شدن یا عدم وقوع توسعه اقتصادی منجر می‌گردد. این مطلب هم مشخص گردید که به لحاظ اوضاع مختلف "فرهنگی (بویژه ارزشی) و ساختاری" این عناصر از جامعه‌ای به جامعه دیگر تغییر می‌کنند؛ یعنی بدین لحاظ، برخی عناصر در بعضی از جوامع مهمترند و در برخی جوامع دیگر اهمیت کمتری دارند.

از سوی دیگر، به این مطلب هم واقفیم که برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی به معنی انجام تغییرات در جامعه است و مهمترین هدفهای آن، تغییر وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه است. طبیعی است که تغییرات در وضعیت اقتصادی - اجتماعی در ساختارهای

دیگر- بویژه ساختار فرهنگی - جامعه انعکاس پیدا می‌کند و این انعکاس می‌تواند در جامعه ایجاد "تنش اجتماعی" کند و بروز تنش، خود مانع تحقق توسعه خواهد بود. (در بخش عناصر مساعد برای توسعه در این مورد صحبت شد.) روی این اصل، هرچه در جامعه تنش کمتر باشد، امکان اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی بیشتر فراهم می‌آید.

در حقیقت، منظور از این تحقیق در همین مطلب است که باید به عناصری در زمینه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی توجه بیشتر داشت که با عناصر فرهنگ بومی پیوند و ارتباط بیشتری داشته باشند تا در صد امکان بروز تنش - به عنوان مانعی عمده در تحقق توسعه - به حداقل ممکن برسد. بر این اساس، توجه به نظریات امام خمینی (ره) و شناختن چگونگی برخورد ایشان با مسأله "توسعه اقتصادی" و لحاظ آنها در برنامه‌ریزیهای توسعه، می‌تواند تضمین خوبی برای موفقیت بهتر برنامه‌های توسعه کشور باشد؛ بدین دلیل که اولاً ایشان به عنوان رهبری انقلاب اسلامی، یکی از آگاهترین افراد نسبت به مسائل جامعه ایران در سی سال اخیر، بویژه ده سال پس از انقلاب بوده‌اند و این شناخت عمیق، در خور توجه برنامه‌ریزان و اندیشمندان جامعه است. ثانیاً اینکه ایشان به عنوان یک شخصیت برجسته مذهبی که با مسأله توسعه درگیر بوده است، نظرات خود را ابراز کرده‌اند و این نظرات در سطح وسیعی مورد پذیرش - حداقل از لحاظ فرهنگی - است. از این روی، عناصر مورد نظر امام (ره) که عناصر بومی است دارای بیشترین پشتوانه فرهنگی در جامعه است؛ پس این عناصر از پشتوانه فرهنگی بومی برای طرح، تبلیغ، ایجاد استقرار برخوردار است.

نتیجه دیگری که از این تحقیق به دست آمد، این مطلب است که عناصری را که امام (ره) برای تحقق توسعه اقتصادی یا مانع تحقق توسعه اقتصادی مورد توجه قرار داده‌اند تقریباً و تماماً مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی نیز قرار داشته و در مطالعات و تحقیقات گوناگون به لزوم وجود آنها برای دستیابی به توسعه اقتصادی اشاره شده است که در متن تحقیق تا حدودی به این مشابهنها پرداختیم و تطبیق این عناصر با نظریات علمای توسعه تأیید دیگری است برای لزوم مطرح شدن این عناصر در برنامه‌ریزیهای اقتصادی.

در مجموع، بطور خلاصه، عناصر ارائه شده به عنوان نظریات امام (ره) در زمینه توسعه اقتصادی دارای دو ویژگی مهم است: نخست اینکه از پشتوانه فرهنگ بومی برخوردار است. دوم اینکه با عناصر مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی دارای مشابهتها و نقاط مشترک فراوانی است. بر این اساس، توجه به آنها در برنامه‌ریزیهای توسعه هم تضمینی است برای اطمینان از کاهش تنشهای احتمالی ناشی از تغییرات و هم تأییدی بر ارائه الگویی تجربی از توسعه اقتصادی مبتنی بر استفاده از عناصر بومی. امید است که این تحقیق علی‌رغم کاستیهای آن مورد توجه اندیشمندان جامعه قرار گیرد و باعثی برای بررسی بیشتر و جامعتر افکار امام (ره) در این مورد باشد که جای تحقیق فراوان هنوز وجود دارد و می‌تواند به نیازهای جامعه در مورد "تدوین الگوی توسعه اقتصادی" یاری بخشد.

## یادداشتها

- ۱- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۴، ص ۷۶ تا ۷۹، ۲۶/۱۱/۵۹.
- ۲- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۸، ص ۱۳۶-۱۳۷، ۸/۸/۶۲.
- ۳- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۴، ص ۳۵۱، ۲۹/۱۰/۵۹.
- ۴- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۲۸۰-۲۸۱، ۲۱/۹/۵۸.
- ۵- برای نمونه مراجعه کنید به: وصیت‌نامه، ص ۲۲.
- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۶۳، ۱۷/۱۲/۶۰.
- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۹، ص ۷۵، ۸/۸/۶۳.
- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۱۷۱، ۶/۸/۵۹.
- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۳، ص ۱۹۸، ۱۷/۶/۵۹.
- مجموعه صحیفه نورا، ج ۹، ص ۱۱۰، ۲۲/۶/۵۸.
- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۲۷۷-۲۷۸، ۲۱/۹/۵۹.
- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۶۳، ۱۷/۱۲/۶۰.
- ۶- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۲۷۷، ۲۱/۹/۵۸.
- ۷- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۳، ص ۱۳۸، ۱/۳/۵۹.
- ۸- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۴، ص ۷۶ تا ۷۹، ۲۶/۱۱/۵۹.

- ۹- وصیت‌نامه، ص ۳۷ و همچنین در این مورد به:  
 مجموعه صحیفه نورا، ج ۴، ص ۲۶۶، ۵۷/۱۲/۴  
 مجموعه صحیفه نورا، ج ۸، ص ۱۳۵، ۵۸/۳/۲۴  
 ۱۰- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۲، ص ۶۵-۶۶، ۵۹/۲/۱۰  
 ۱۱- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۱، ص ۲۰۴، ۵۸/۱۰/۱۵  
 ۱۲- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۱، ص ۹۰، ۵۸/۱۰/۳  
 ۱۳- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۱، ص ۷۹، ۵۸/۱۰/۱۲  
 ۱۴- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۱، ص ۱۳۲، ۵۸/۱۰/۸  
 ۱۵- در این مورد می‌توان به موارد زیر هم مراجعه کرد.  
 مجموعه صحیفه نورا، ج ۷، ص ۷۹، ۵۸/۳/۲۱  
 مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۰، ص ۷۰، ۵۸/۸/۶  
 مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۱، ص ۷۹، ۵۸/۱۰/۱۲  
 مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۹، ص ۱۶۰، ۶۳/۲/۱۶  
 مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۶، ص ۱۷۸-۱۷۹، ۵۸/۲/۲۵  
 ۱۶- مجموعه صحیفه نورا، ج ۷، ص ۷۹، ۵۸/۳/۲۱  
 ۱۷- مجموعه صحیفه نورا، ج ۴، ص ۲۶۶، ۵۷/۱۲/۴  
 ۱۸- مجموعه صحیفه نورا، ج ۶، ص ۹۷، ۵۸/۲/۷  
 ۱۹- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۳، ص ۱۹۸، ۵۹/۶/۱۷  
 ۲۰- برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به، مجموعه صحیفه نورا:  
 - ج ۵، ص ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۵۷/۱۲/۲۹  
 - ج ۵، ص ۷۶، ۵۷/۱۱/۲۳  
 - ج ۴، ص ۲۳۹، ۵۷/۱۰/۲۷  
 - ج ۹، ص ۱۰۹، ۱۱۰، ۵۸/۶/۲۲  
 - ج ۱۴، ص ۴ تا ۴، ۵۹/۱۰/۲۹  
 - ج ۱۱، ص ۱۸۶، ۵۸/۱۰/۱۳  
 - ج ۱۳، ص ۲۸۵، ۵۹/۱۰/۲۹  
 ۲۱- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱، ص ۹۷، ۳۳/۶/۱۸  
 ۲۲- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۵، ص ۹۲ و ۱۹۳، ۶۰/۷/۲۴  
 ۲۳- مجموعه صحیفه نورا، ج ۷، ص ۷۳، ۵۸/۳/۲۱  
 ۲۴- مجموعه صحیفه نورا، ج ۶، ص ۲۳۸ تا ۲۳۶، ۵۸/۳/۱  
 ۲۵- مجموعه صحیفه نورا، ج ۱۵، ص ۶۰ و ۱۶۱، ۶۰/۶/۳۱  
 ۲۶- موارد مرتبط با این موضوع زیاد است. فقط برای نمونه به موارد ذیل اشاره می‌شود، مجموعه صحیفه نورا:  
 - ج ۸، ص ۵۱، ۵۸/۳/۱۶  
 - ج ۱۱، ص ۱۹۸، ۵۸/۱۰/۱۴  
 - ج ۵، ص ۸۴، ۵۷/۱۱/۲۷  
 - ج ۲۱، ص ۳۸، ۶۷/۷/۱۱





۲۷- مجموعه صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸/۵۸/۱۰/۶.

۲۸- همان مأخذ.

۲۹- مجموعه صحیفه نور:

ج ۱۰، ص ۱۰۱، ۱۱۱/۵۸/۸/۱۱.

۳۰- مجموعه صحیفه نور

ج ۸، ص ۱۳۵، ۱۳۴/۵۸/۴/۲۴.

۳۱- مجموعه صحیفه نور

ج ۸، ص ۸۵، ۱۱۷/۵۸/۴/۱۷.

۳۲- مجموعه صحیفه نور

ج ۱۴، ص ۱۸۱ تا ۱۸۳، ۱۲۴/۶۰/۱/۲۴.

۳۳- مجموعه صحیفه نور

همان، ص ۱۸۴.

۳۴- مجموعه صحیفه نور

ج ۱۰، ص ۶۹-۷۰، ۷۰/۵۸/۸/۶.

۳۵- مجموعه صحیفه نور

ج ۱۴، ص ۱۸۲، ۱۲۴/۶۰/۱/۲۴.

و همچنین- ج ۱۷، ص ۱۰۷، ۲۴/۶۱/۹/۲۴.

- ج ۱۰، ص ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۲/۵۸/۸/۱۲.

۳۶- مجموعه صحیفه نور

ج ۱۰، ص ۵۵-۵۶، ۴/۵۸/۸/۴.

۳۷- ج ۷، ص ۲۳-۲۴، ۲/۵۸/۳/۸.

۳۸- وصیت‌نامه، ص ۳۳.

۳۹- ج ۱۹، ص ۱۰۵، ۲۴/۶۳/۱۱/۲۳.

۴۰- ج ۹، ص ۱۶۷-۱۶۸، ۲۸/۵۸/۶/۲۸.

۴۱- برای نمونه مراجع کنید به مجموعه صحیفه نور:

- ج ۱۱، ص ۱۸۶، ۱۳/۵۸/۱۰/۱۳.

- ج ۳، ص ۲۱۴، ۲۹/۵۷/۸/۲۹.

- ج ۱۱، ص ۱۱۹، ۶/۵۸/۱۰/۶.

- ج ۹، ص ۱۸۵، ۳۱/۵۸/۶/۳۱.

- ج ۱۵، ص ۱۶۱، ۳۱/۶۰/۶/۳۱.

- ج ۴، ص ۸۷، ۱/۵۷/۱۰/۱.

- ج ۱۰، ص ۷۵-۷۶، ۶/۵۸/۸/۶.

- ج ۱۲، ص ۲۲-۲۳، ۱/۵۹/۱/۱.

- ج ۱۲، ص ۵۳، ۱/۵۹/۲/۱.

- ج ۸، ص ۱۰۵-۱۰۶، ۲۱/۵۸/۴/۲۱.

- ج ۱۳، ص ۴۱، ۴/۵۹/۶/۴.

- ج ۱۸، ص ۸۹، ۱۲/۶۲/۶/۱۲.

- ج ۹، ص ۱۲، ۱۸/۵۸/۶/۱۸.

- ج ۱۸، ص ۲۳۳-۲۳۴، ۲۲/۶۲/۱۱/۲۲.

۴۲- ج ۱۸، ص ۲۰۳، ۱۳/۶۰/۱۰/۱۳.

۴۳- ج ۱۴، ص ۳۵۱، ۲۹/۵۹/۱۰/۲۹.

۴۴- ج ۱۴، ص ۱۹۳-۱۹۵، ۳۱/۶۰/۱/۳۱.

۴۵- وصیت‌نامه، ص ۲۱ و همچنین در این موضوع، مجموعه صحیفه نور

- ج ۱۴، ص ۲۳۲-۲۳۳، ۶۰/۳/۳  
- وصیت‌نامه، ص ۲۲

- ج ۱۸، ص ۱۳۲، ۶۲/۷/۳  
- ج ۱۶، ص ۶۳، ۶۰/۱۲/۱۷  
- ج ۳۶، ص ۱۳۵، ۵۷/۱۲/۱۱  
- ج ۳۷، ص ۲۵۴، ۵۷/۱۱/۱  
- ج ۳۸، ص ۲۴۱، ۵۷/۱۰/۲۷  
- ج ۳۹، ص ۲۴۶، ۵۸/۳/۲

۵۰- در این مورد سخن بسیار فراوان است، می‌توانید برای نمونه مراجعه کنید به مجموعه صحیفه نور:

- ج ۴، ص ۲۸۲(۲۸۳)، ۵۷/۱۱/۱۲  
- ج ۱۷، ص ۱۶۳، ۶۱/۱۱/۲۱  
- ج ۶، صفحات ۲۲۷، ۲۳۵، ۷۸  
- ج ۵، صفحات ۷۵، ۷۶، ۱۱۲، ۱۸۵، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۶۵، ۶۶  
- ج ۸، ص ۱۵۸، ۵۸/۳/۲۶

- وصیت‌نامه، ص ۴۳

۵۱- ولایت فقیه، ص ۱۷.

۵۲- همان، ص ۲۴

۵۳- ج ۵، ص ۲۸۱، ۵۸/۱/۲۲

۵۴- برای نمونه مراجعه کنید به مجموعه صحیفه نور:

- ج ۵، صفحات: ۷۵، ۷۶، ۲۰۶، ۲۶۸.  
- ج ۶، صفحات: ۶۹، ۹۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۳۴، ۲۳۵.  
- ج ۱۷، ص ۸۹، ۶۱/۹/۶  
- ج ۷، ص ۱۰۲، ۱۰۳، ۵۸/۳/۲۳

۵۵- ج ۱۲، ص ۵۳، ۵۹/۲/۱

۵۶- ج ۱۳، ص ۴۱، ۵۹/۶/۳

۵۷- ج ۶، ص ۲۶۰-۲۶۱، ۵۸/۳/۳

۵۸- ج ۱۳، ص ۳۰، ۶۰/۱۱/۹

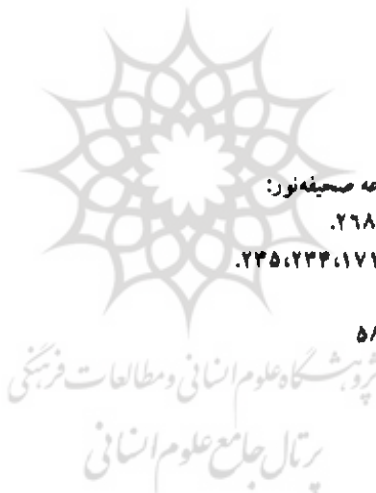
۵۹- می‌توانید مراجعه کنید به مجموعه صحیفه نور:

- ج ۱۲، ص ۲۲-۲۳، ۵۹/۱/۱

- ج ۸، ص ۵۲، ۵۸/۳/۱۶

- ج ۳، ص ۸۷، ۵۷/۱۰/۱

- ج ۱۸، ص ۸۹، ۶۲/۶/۱۲



## منابع

## الف کتابها

- ۱- خمینی، روح...، مجموعه صحیفه نور، (بیانات و پیام‌های امام خمینی از آغاز نهضت تا رحلت شامل ۲۱ جلد). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۲- خمینی، روح...، ولایت فقیه، بی تا، بی تا.
- ۳- ازکیا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۴.
- ۴- باتومورتی بی، جامعه‌شناسی، ترجمه سید حسن منصور و سید حسین حسینی کلجاهی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۵- برمن، ادوارد؛ کنترل فرهنگ ترجمه، حمید الیاسی، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۶- توداور، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم ترجمه، غلامعلی فرجادی، تهران، وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۴.
- ۷- روشه، گی، تغییرات اجتماعی؛ ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۸- سروش، عبدالکریم، تفرج صنع، تهران: سروش، ۱۳۶۶.
- ۹- فروند، ژولین، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نیکان، ۱۳۶۲.
- ۱۰- کیون، ریمون، روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
- ۱۱- مایر، جرالدام و دادلی، سایرز؛ پیشگامان توسعه؛ ترجمه سید علی اصغر هدایت- علی یاسری؛ تهران: سمت ۱۳۶۸.
- ۱۲- وینر، مایرون؛ نوسازی جامعه، ترجمه رحمتا... مقدم مراغهای؛ تهران: فرانکلین، ۱۳۵۰.

## ب) مقالات

- ۱- بشک، لوئیس، "دگرگونی در مفاهیم و هدف‌های توسعه"، نامه فرهنگ شماره ۶-۵، (پاییز و زمستان ۷۰)، ص ۷۲-۸۱ (ترجمه حسین قاضیان)
- ۲- پای، لوسین، "فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی"، نامه فرهنگ، شماره ۶ و ۵، (پاییز و زمستان ۷۰) ص ۳۷ تا ۴۷ (ترجمه مجید محمدی).
- ۳- سریع‌القلم، محمود، "اصول ثابت توسعه سیاسی"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۵ و ۵۶ (فروردین و اردیبهشت ۷۰)، ص ۲۶ تا ۲۹.
- ۴- عظیمی، حسین، "توسعه فرهنگ. آموزش"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۳۸ (مهر و آبان ۱۳۶۹) ص ۴۰ تا ۴۷.
- ۵- فیروزان ت. "روش تحلیل محتوا": روش‌شناسی و نظرگاه‌ها (به نقل از جزوه پلی‌کپی درس تکنیک‌های خاص تحقیق، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰.
- ۶- محبی، سعید، "توسعه و فرهنگ، فرهنگ و توسعه"، کیمیا، سال ۳ شماره ۷ (مرداد و شهریور

۱۳۶۹ (ص ۴۴-۶۶).

۷- "میزگرد توسعه و فرهنگ"، شماره ۶۵ و ۶۶ (بایز و زمستان ۷۰) ص ۲۶ تا ۲۷.

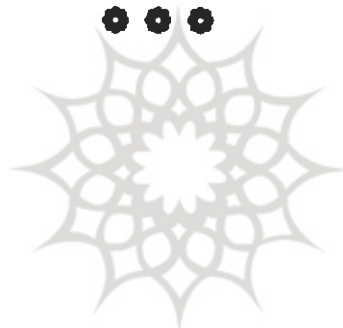
ج) پایان نامه‌ها (فوق لیسانس)

۱- صدیق اورعی، غلامرضا، تغییر اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره)، دانشگاه تربیت مدرس،

۱۳۶۹.

۲- قاضیان، حسین علی، مبادی جامعه شناختی اندیشه آل احمد (با تأکید بر توسعه) دانشگاه تربیت

مدرس- ۱۳۷۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی